

پژوهش‌های علمی از عملکرد سید شهادی مقاومت در حزب‌الله چگونه روایت می‌کنند

پیروز میدان به گواه پژوهشگران



چه خبر از دانشگاه

ابراز انزجار دانشگاهیان دانشگاه آزاد از جنایات اخیر رژیم صهیونیستی
دانشگاهیان دانشگاه آزاد با صدور بیانیه و برگزاری تجمع اعتراضی در واحدهای دانشگاهی به ترور و شهادت سید حسن نصرالله و یارانش واکنش نشان دادند.

دانشگاهیان دانشگاه آزاد استان بوشهر متشکل از دانشجویان، استادان و کارکنان این دانشگاه در اعتراض به جنایات رژیم صهیونیستی و به شهادت رساندن سید حسن نصرالله تجمع کرده و با شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» نرفت خود را از آمریکای جنایت‌کار و صهیونیست‌های پلید ابراز کردند.
واحد بندرعباس نیز روزگدشته محل برگزاری تجمع ضدصهیونیستی بود.
دانشگاهیان شهرستان تربت حیدریه در محکومیت جنایات‌های رژیم صهیونیستی در لبنان همزمان با نماز ظهر و عصر در گلزار شهدای گمنام دانشگاه آزاد تربت حیدریه با حضور امام جمعه این شهرستان، روسای دانشگاه‌های تربت حیدریه، استادان، کارمندان و دانشجویان تجمع کردند.
جمعی از بسیجیان دانشگاه آزاد واحد شاه‌رود بر سر مزار شهدای گمنام این دانشگاه با قرائت بیانیه‌ای جنایت اخیر رژیم ددمنش صهیونیستی را که موجب شهادت سیدحسن نصرالله رهبر مقاومت شد، محکوم کردند.
در واحد شبستر، واحد زرقان، واحد کازرون، واحد دامغان، واحد پرند، واحد مروه‌شت، واحد تبریز، واحد بروجرد، واحد شهرکرد، واحد بندرانزلی، واحد ایلیچی، واحد گنبدکاووس، واحد میناندآب نیز در اعتراض به جنایات رژیم کودککش صهیونیستی تجمعات اعتراضی با حضور دانشجویان و اساتید و کارکنان برگزار شد.

افتتاح مجتمع فرهنگی آموزشی زینبیه معصومه (س) دانشگاه آزاد

مراسم افتتاح مجتمع فرهنگی آموزشی زینبیه معصومه (س) ویژه آموزش علوم اسلامی بانوان صبح دپروز با حضور دکتر محمد‌مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، علی سروری مجتد مقام رئیس دانشگاه آزاد و عاصمه قاسمی مشاور ریاست دانشگاه در امور زنان و خانواده برگزار شد.
مجتمع فرهنگی آموزشی زینبیه معصومه (س) با هدف تربیت بانوی مسلمان تمدن‌ساز با اهتمام به آموزه‌های قرآن کریم و سیره معصومین و بهره‌مندی از اساتید مجرب راه‌اندازی شده است.
گفتنی است، در این مجتمع فرهنگی آموزشی علاوه‌بر آموزش علوم اسلامی، تفسیر نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، آموزه‌های اسلامی در ادبیات فارسی، مباحث آموزش زبان، هوش مصنوعی، آینده‌پژوهی، روش تحقیق و... نیز ارائه می‌شود.

آغاز ثبت‌نام آزمون EPT مهرماه ۱۴۰۳ دانشگاه آزاد

ثبت‌نام آزمون EPT مهرماه ۱۴۰۳ از یکشنبه ۸ مهرماه آغاز و تا ساعت ۲۴:۰۰ روز شنبه ۱۴ مهرماه ادامه خواهد داشت. این آزمون روز جمعه ۲۷ مهرماه همزمان در شهرهای تهران، تبریز، مشهد، اهواز، اصفهان، شیراز، کرمانشاه،

<p>انا لله و انا الیه راجعون</p>
<p>درگذشت سرکار خانم ثریا رضایی را که از پرستاران خدم و فداکار بیماران بودند، به خانواده محترم ایشان و همکاران گرامی تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.</p>
<p>علی اکبر ولایتی</p>

زیرساخت فناوری دانشگاه آزاد استان تهران در سال‌های اخیر ۴ برابر بزرگ‌تر شده است

رشد ۷ برابری درآمدهای فناورانه در یک سال



۷ گروه سهمیه آزمون سراسری حاضر با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی چه تغییری خواهد کرد؟

ابهام در رگولاتوری عدالت‌کنکور

بخش‌سی‌ونهم

رئسناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

ماجرای ترکیب پیشنه‌ادی هیأت مؤتمنین دانشگاه ملی ایران

عمل کنید و اگر موافق نیستید مجامله را کنار بگذارید. صریح بگویید از این کار منصرف شو. گفت کار را شما به مرحله‌ای رسانده‌اید و طوری سر زبان‌هاست که انصراف از آن باعث رسوایی است و هر پیشنه‌ادی دارید بگویید تا به حد مقدرات اقدام کنیم.
گفتم اولاً به‌بهانیان از طرف پهلوی و دکتر مهران وزیر فرهنگ را همان‌طور که قبلاًخواهش کرده‌ام بخوانید و با حضور من بگویید تعهدی نسبت به کمک مالی نکنند. ثانیاً هیات‌مدیره‌ای با صدور فرماتی از طرف شاه

برای موسسه تعیین کنید که مرکب از اعضای سستی و شخصی باشد. این هیات را به سبک دانشگاه‌های آمریک‌هیات مؤتمنین نام‌گذاری می‌کنیم که در امور مالی دانشگاه نظارت کند و یک نفر آنها را هم به سمت خزانه‌دار دانشگاه تعیین کنیم و برای این هیات من فکر کرده‌ام.
اعضای سمتی وزیر دربار، رئیس دانشگاه ملی ایران، وزیر فرهنگ، مدیرکل بانک ملی ایران، مدیرعامل بنیاد پهلوی، دو نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی که در حال حاضر محمدعلی صفاری و مهدی صدرزاده را در نظر بگیریم، رئیس اتاق بازرگانی تهران و یک نفر سناتور که در حال حاضر علی و کیلی را برای هر دو این سمت‌ها در نظر بگیریم و برای اعضای غیرسمتی شجاع‌الدین شفا و دکتر علی‌نقی مؤمنفرماتیان و دکتر مسعود جهان‌آرا را در نظر بگیریم و با صدور فرماتی از طرف شاه این اشخاص را موظف به تهیه و تدوین اساسنامه دانشگاه کنیم. پس از تهیه و تصویب اساسنامه از طرف آنها اساسنامه راثبت برسانیم و شخصیت حقوقی و قانونی به موسسه بدهیم.
علاء گفت جز مسعود جهان‌آرا بقیه این اشخاص را می‌شناسم، بد نیست و حییب ثابت بین سرمایه‌دارها مرد روشنفکری است. او را هم به این لیست اضافه کنید و پیش‌نویس فرمان راتهمیه کنید تا وقتی تعیین کنیم شرفیاب حضورا اعلی حضرت بشوید و پیش‌نویس فرمان را شخصاً به عرض برسانید و پس از تصویب اعلی حضرت احکام آنها را صادر کنیم.
با حضور من به جعفر بهبهانیان و محمود مهران هم تلفن کرد و وقت ملاقاتی برای هفته بعد در دفتر خودش قرار گذاشت که ملاقات کنیم.
گفتم اجازه بدهید من پیش‌نویس فرمان راتهمیه می‌کنم و خود چنان‌عالی به عرض شاه برسانید و من مزاحم اوقات ایشان نشوم، چنانکه در این مدت مدید که به ایران آمده‌ام هم تقاضای ملاقات از شاه نکرده‌ام و ایشان هم احضار نکرده‌اند.
گفت صلاح این است که خود شما پیش‌نویس فرمان را به عرض شاه برسانید و من ترتیب کار را از قول خودم می‌دهم. من پس از این ملاقات از خوشی در پوست خودم نمی‌کنجیدم و به خانم گفتم مجلس سور و سروری برپا کند و نمی‌دانستم هنوز راه بسیار دور و دراز و تاریک و مخوفی در پیش داریم.
پیشنهاد من راجع به اعضای هیات‌مدیره یا مؤتمنین مرتجلاو بی سابقه نبود و سابقه نسبتاً طولانی داشت. اولاً چند ماه قبل از این ملاقات عده‌ای را به علاه گفته بودم و ازجمله دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر بود و علاه به حدی با شرکت اقبال در این کار مخالف بود که گفت اگر اقبال کاری برای شما انجام داده یا می‌دهد همه مطلب را بپزید. نزاو، با من چی کار دارید. از طرف دیگر عدم نوچگی متین و بی‌تکلف من مسرور است.
چه بسیار گران تمام می‌شد، چون اقبال خود را اهل علم می‌دانست و می‌خواست دستی در کار اولین دانشگاه ملی که در ایران تاسیس می‌شود داشته باشد و تمایل خودش را با این مطلب صریحاً به من گفته بود لکن در عین حال پیشکسوت و مرشد بزرگ‌ترین و سرسخت‌ترین مخالف تشکیل دانشگاه ملی بود. من با چند ماه مطالعه و سبک و سنگین کردن اطراف و جوانب کار به این نتیجه رسیدم که از دست دادن علاه با از دست دادن دربار و شاه توأم است و اقبال هم نه مایل است و نه می‌تواند کمکی بکند و مثل همیشه منتظر سفره آماده است که در صدر یا کنار آن نشیند و جرات مخالف با دربار را هم که ندارد و کاینه هم که در شرف سقوط است. به این دلایل اقبال را پیشنهاد نکردم و علاه خوشحال شد و پیدا بود از مراتب نوچگی متین و بی‌تکلف من مسرور است.
چه کنم به بازی دادن بچه‌هایی که به جای پدر و پدربزرگ من بودند اشتغال داشت. ثانیاً در انتخاب اعضای هیات به شرحی که در بالا نام بردم هیچ‌گونه تحمیلی به من نشد و جز حییب ثابت همه را شخصاً انتخاب کرده‌بودم. ثالثاً لاقفل نصف از تمام اعضا ابرخلاف میل خودم انتخاب کردم چون مطلقاً صلاحیت این کار را نداشتند و علت انتخاب آنها مسائل سیاسی و اجتماعی و ضرورت بود به خصوص در مورد اعضای درباری.

ادامه دارد...

کتاب «رئسناس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل‌گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی شیخ‌الاسلام، موسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهیختگان» از اوایل مرداد ماه بخش‌های مختلف آن را منتشر کرده که اکنون بخش دیگری از آن را می‌خوانید.

چه می‌توانستم بکنم علاه که حافظه‌اش ضعیف شده بود. به قول دوست و دشمن گوشه و دهن بین و معروف بود آخرین نفری که هر روز او را ملاقات کند به حرف او باور دارد، در ایستادن مقابل کار من مثل یک سد آهنین و نیروی بازدارنده کوچک‌ترین اشتباه و فراموشی نداشت و مهره‌ها را طوری می‌چرخاند که در عین حفظ ظاهر به عنوان موافق هیچ اقدامی را نگذارد به نتیجه برسد. من هم به نسبتی که از او بیشتر مایوس می‌شدم دستگاه تبلیغاتی به سبک خودم را بیشتر توسعه می‌دادم. دبیرخانه را تا حد ممکن شلوغ و پرآمدورفت کردم. میهمانی‌های متعدد راه انداختم و مخبران و مدیران جراید را با آنها دعوت کردم. از پنج نفر مرد بسیار صمیمی خواهش کردم از صبح تا شام بروند در مدارس متوسطه و دانشگاه تهران و کتابفروشی‌ها و ادارات دولتی و بازاری هرجا و موقعیتی که بشود کار دانشگاه ملی را مطرح کرده و برای تشکیل دانشگاه ملی و اقداماتی که شده تبلیغ کنند و حتی به قیمت انتقاد از من سخن تشکیل دانشگاه را زنده نگاه دارند بلکه به این ترتیب بتوانیم دستگاه را از رویبریم.
با اینکه دانشگاه و تعلیمات عالی‌ه جزء لاینفک و متن سیاست ایران راتشکیل می‌دهد به همه بگوییم مادر سیاست دخالت نداریم و واقعا هم راست می‌گفتم. چون هیچ انگیزه سیاسی نداشتیم اما سیاست ایران همیشه از وجود ما هراسان بود و باید هم باشد چون در تحلیل نهایی مامیخی بودیم که به تاپوشش بگوید می‌شد. مردان اجتماعی قوم باید صلاح و خواست زمان خودشان راتشخیص بدهند و به دنبال آن حرکت کنند و از سدهایی مانند علاه و... نهراسند. باز سه هفته گذشت و از علاه خبری نشد، من هم نامه مفصلی از چگونگی احوال از بدایت تا نهایت به شاه نوشتم بدون اینکه اسمی از احدی ببرم یا گله‌ای از علاه و... تقاضای تعیین تکلیف کردم. نامه را موقعی که می‌دانستم علاه در دفترش نیست بردم به دربار و چون علاه نبود رفتم نزد هیراد رئیس دفتر مخصوص و نامه را به او دادم که به نظر شاه برساند و نزد هیراد کوچک‌ترین گله و شکایتی از علاه و دیگران نکردم. در این دو نامه نکته را بیشتر توضیح دادم و تاکید کردم یکی اینکه خواستم شاه بداند از او و بنیاد پهلوی اش چیزی نمی‌خواهم و بترسد که از او پول می‌خواهم و دیگر اینکه در لاف‌ها به او بگویم شما هستید که باید تصمیم بگیرید و وزیر دربار و نخست‌وزیر و... را می‌فهمم کاره‌ای نیستند. چون اقبال اولین نخست‌وزیر بود در زمان سلطنتش که رل یک امربر و پیشخدمت را بازی می‌کرد و قبل از او حتی زاهدی نخست‌وزیر کرد تا به طوری چون و چرا بی‌اداره خود را در اختیار شاه نگذارد بود و از شروع سلطنت تا کردت‌نای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هم که شاه محلی از اعراب نداشت و همان رئیس تشریفات مملکت بود که در قانون اساسی پیش‌بینی و ذکر شده است. هفته بعد علاه مراخواست رفتم به دربار. قبل از رفتن در مدت یک ماهی که او را ندیده بودم به قدری تبلیغات و اقدامات همه جانبه‌ای انجام داده بودم که می‌دانستم در این ملاقات به اغلب احتمال، به نتیجه‌خواهم رسید. ابتدا علاه گفت: شما نامه‌هایی را که به شاه می‌نووسید بدهید به من و به دفتر معصوم نبرید. گفتم اتفاقاً همین کار را کردم و به شهادت نعیما چون تشریف نداشتید دادم به هیراد. علاه گفت حال بگویید چه می‌توانم برای شما بکنم؟ گفتم شما مرا احضار کرده‌اید آمده‌ام اینجا و مطلب هم پس از شاه ما آمد و شد روشن است و چیز تازه‌ای نیست. شما قریب یک ماه قبل به من گفتید شاه رالملاقات می‌کنم و از او اجازه می‌گیرم بهبهانیان و دکتر مهران را بخوانیم و ترتیبی به کار بدهیم و چون خبری نشد ناچار مجدداً به شاه نوشتم.
گفت حال شما بگویید چه بکنیم؟ گفتم اجازه بدهید پس از شش ماه مخارج سنگین برای من و رنج طاقت فرسا برای خود و خانواده و دوستانم صریح صحبت کنم. در این مدت تمام طبقات مردم از کار دانشگاه ملی مطلع شده‌اند و متجاوز از ۵۰ نفر تقاضای کار به من داده‌اند و بیش از ۲۰۰ نفر تقاضای تحصیل در دانشگاه تشکیل شده‌اند و دارند همه مقدمات کار هم فراهم است. چنان‌عالی در یک کلمه بفرمایید شما موافق با تشکیل دانشگاه هستید یا نه؟ اگر موافقت صریحاً بگویید و